

## مرجعیت زبانی (۳)

محمدعلی حمیدرفعی



در این بخش از مقاله به نقد و بررسی دو کتابچه از انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌پردازیم که هشت سال پس از تأسیس و شش سال پس از آغاز فعالیت فرهنگستان در دسترس عموم قرار گرفته و مشخصات آنها به قرار زیر است:

الف - اصول و ضوابط و آژه‌گزینی؛ همراه با شرح و توضیحات، خرداد ۱۳۷۶ که آن را مرجع «یک» می‌نامیم.

ب - واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ واژه‌های عمومی - ۱، مرداد ۱۳۷۶ که از این به بعد با عنوان مرجع «دو» از آن نام می‌بریم.

مراد نگارنده از بررسی این دو مرجع باز نمودن نکات زیر است:

- ۱- شتابزدگی فرهنگستان در انتشار واژه‌های مصوب.
- ۲- تلقی سنتی از مفهوم واژه‌گزینی.
- ۳- درک مبتنی بر بیگانگی - ترسی، مسئله ورود و ترویج واژه‌های فرنگی.
- ۴- بی‌توجهی به سلیقه زبانی گویشوران زبان فارسی.

در مرجع یک، اصول و ضوابط آن گانه و ازه‌گزینی به شرح زیر آمده است:  
اصل اول - در انتخاب معادل فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه، واژه فارسی باید حتی الامکان به «زبان فارسی معیار امروز»، یعنی زبان متداول میان تحصیل‌کردگان و اهل علم و ادب، و زبان سخن‌رانی‌ها و نوشته‌ها نزدیک باشد.

اصل دوم - در واژه‌گزینی باید قواعد دستور زبان فصیح و متداول امروز مراعات شود.  
اصل سوم - در واژه‌گزینی باید قواعد آوایی زبان فارسی رعایت گردد و از اختیار واژه‌های ناخوش‌آهنگ و دارای تنافر پرهیز شود و واژه فارسی برگزیده، حتی الامکان، از معادل بیگانه آن کوتاه‌تر باشد.

اصل چهارم - در انتخاب معادل، واژه‌هایی که تعریف‌پذیر و اشتقاق‌پذیر باشند و امکان ساخت اسم و صفت و فعل از آنها وجود داشته باشد مرجح‌اند.

اصل پنجم - در گزینش معادلها باید سلسله‌مراتبی به ترتیب زیر ملاک قرار گیرد:  
- واژه‌های فارسی متداول و مأنوس که از دیرباز در زبان فارسی وجود داشته است؛  
- ترکیب‌های نوساخته، بر طبق شیوه‌های واژه‌سازی زبان فارسی، با استفاده از واژه‌های فارسی؛

- واژه‌های عربی مصطلح و متداول و مأنوس در زبان فارسی؛  
- ترکیب‌های نوساخته، بر طبق شیوه‌های واژه‌سازی زبان فارسی، با استفاده از واژه‌های عربی متداول در زبان فارسی؛

- واژه‌های برگرفته از گونه‌های زبان فارسی و گویش‌های ایرانی کنونی؛  
- واژه‌های برگرفته از زبانهای ایرانی میانه و باستان.

اصل ششم - در گزینش معادل، واژه‌ای که معنی آن زودپای و روشن باشد بر واژه‌ای که معنی دیرپای و ناآشکار دارد مرجح است.

اصل هفتم - در واژه‌گزینی به‌ویژه در علوم برای هر لفظی که دارای یک معنی خاص باشد ترجیحاً فقط یک واژه برگزیده شود و از تعدد و تنوع واژه‌ها پرهیز شود.

تبصره: برای لفظ بیگانه‌ای که در علوم گوناگون تعاریف مختلف دارد گزینش چند واژه معادل، به مقتضای سنت و سابقه و عرف اهل علم در هر یک از حوزه‌ها مجاز است.

اصل هشتم - یافتن معادل برای آن دسته از واژه‌های بیگانه که جنبه جهانی و بین‌المللی یافته‌اند ضروری نیست.

اصل نهم - در موارد معدودی که گزینش واژه معادل در قالب‌های مرسوم زبان فارسی

متداول میسر نباشد و ضرورت استفاده از روش‌های تازه احراز شود بر طبق رأی شورای فرهنگستان عمل خواهد شد.

ملاحظات: اصول و ضوابط نه‌گانه، با وجود شرح بیست و چهار صفحه‌ای همراه با آن، چیزی جز بازگویی موعظه‌وار راهکارهایی مبهم نیست. در این اصول نه‌گانه، کلید-واژه‌هایی وجود دارد که نه تعریف شده‌اند و نه درباره مفهوم آن‌ها اجماعی وجود دارد. در اصل اول «زبان فارسی معیار امروز»، زبان متداول میان تحصیل‌کردگان و اهلی علم و ادب، و زبان سخن‌رانی‌ها و نوشته‌ها دانسته شده است. صرف نظر از پریشان‌گویی‌ها و پریشان‌نویسی‌هایی که در زبان تحصیل‌کردگان و سخن‌رانی‌ها و نوشته‌ها وجود دارد، هیچ سنجه مشخص و معلومی برای بازشناسی زبان معیار در این اصل ارائه نشده است. در اصل دوم از قواعد دستور زبان فصیح و متداول امروز سخن رفته است. آیا فرهنگستان قادر است تنها «یک» منبع به مخاطبان خود معرفی کند که در آن قواعد دستور زبان فصیح و متداول امروز باز نموده شده باشد؟ در اصل سوم از ضرورت رعایت قواعد آوایی زبان فارسی صحبت شده است. تردیدی نیست که مرجع نهایی برای داوری در مورد خوش‌آهنگی یک واژه، گویشوران زبان فارسی هستند اما بررسی واژه‌های پیشنهادی نشان می‌دهد که مواردی از عدم توجه به این اصل، در آن فهرست وجود دارد. در اصل پنجم، ترتیب قرار گرفتن زیر-عنوانها کاملاً سلیقه‌ای است و ضمناً تعریف و مصداق عبارتهایی چون «مصطلح و متداول و مانوس»، «... که از دیرباز در زبان فارسی وجود داشته»، «گونه‌های زبان فارسی و گویشهای ایرانی کنونی» و... ارائه نشده است. آنچه در اصل ششم آمده در موارد بسیاری در واژگان پیشنهادی رعایت نشده است. در اصل هفتم از واژه‌گزینی برای علوم (؟) سخن رفته است؛ واژه‌گزینی در عرصه علوم محض و کاربردی کاری تُرد نیست که به همین سرعت و آسانی از کنار آن بگذریم. در این باره، در همین مقاله سخن خواهم گفت. واژه‌های مصوب فرهنگستان نشان می‌دهد که واژه‌یابان و واژه‌سازان فرهنگستانی حتی نیم‌نگاهی هم به اصل هشتم نداشته‌اند؛ اگر غیر از این بود هشتاد درصد معادلهای تصویب‌شده را اصلاً مطرح نمی‌کردند. در توضیحی که بر اصل نهم در صفحه‌های ۳۲ تا ۳۴ مرجع «یک» آمده است از دو شیوه نام برده شده است: استفاده از مصدر بر ساخته، و استفاده از ادغام واژه‌ها؛ اگر منظور از «روشهای تازه» مذکور در اصل نهم اینهاست که چندان تازه نیست...، و اگر غیر از این‌هاست، بر نگارنده معلوم نیست.

مرجع «دو» ۲۲۱ واژه مصوب فرهنگستان را در معرض داوری ما قرار می دهد. این ۲۲۱ واژه بر اساس فهرست تفصیلی به تفکیک حوزه، در ۱۷ دسته به شرح زیر مقوله بندی شده اند: آموزشی- تحقیقاتی ۱۱ مورد؛ ارتباطات و پست و مخابرات ۱۳ مورد؛ امور اداری ۲۱ مورد؛ امور اقتصادی- بازرگانی ۱۵ مورد؛ برق و الکترونیک ۸ مورد؛ پزشکی ۴ مورد؛ چاپ و نشر ۷ مورد؛ صنایع بسته بندی ۳ مورد؛ صنایع غذایی ۴ مورد؛ علوم پایه و فنی و مهندسی ۱۴ مورد؛ علوم سیاسی ۲۰ مورد؛ کتابداری ۶ مورد؛ لوازم خانگی و تزییناتی (۹) ۳۲ مورد؛ متفرقه ۳۰ مورد؛ معماری و شهرسازی ۱۰ مورد؛ ورزش ۳ مورد؛ هنر و ادبیات ۲۰ مورد.

ملاحظات: از ۲۲۱ مورد واژه های مصوب فرهنگستان، ۸۹ مورد معادلهایی است که قبلاً در زبان فارسی وجود داشته و فارسی زبانان اساساً معادلهای فارسی مربوطه را بیشتر از واژه فرنگی می شناسند و استعمال می کنند: مشترک، بایگانی، دستیار، فرهنگستان، دانشگاهی، علمی، عتیقه، ویراستار، سازمان، مؤسسه، باندپیچی و... در مقایسه با واژه های فرنگی آبنه، آرشیو، آسیستان، آکادمی، آکادمیک، آنتیک، ادیتور، ارگانیزاسیون، انستیتو، بانداژ و... رایج ترند.

از ۲۲۱ واژه فرنگی که معادل فارسی برای آنها گزیده یا ساخته شده است ۱۵۱ مورد از زبان فرانسه، ۲ مورد از آلمانی و بقیه از انگلیسی است. البته موارد مشترک میان انگلیسی و فرانسه هم وجود دارد، اما برتری عددی واژه های فرانسوی تبار، بازتاب ترکیب سنی و تحصیلاتی واژه گزینان است که احتمالاً زبان فرانسه، زبان خارجی دوره دبیرستان و دانشگاه ایشان بوده است. نباید از یاد برد که آنچه به هجوم واژه های فرنگی موسوم است، امروز بیشتر از ناحیه واژه های انگلیسی تبار است.

با توجه به فهرست تفصیلی ارائه شده به تفکیک حوزه، اطلاق «واژه های عمومی» صحیح به نظر نمی رسد. شاید مقوله بندی دکتر رضا منصوری (مهر ۱۳۷۶) مقوله بندی مناسبتری باشد. او در این راستا، از رده های پژوهشی، کارشناسی و کاردانی نام می برد و معتقد است که واژه هایی که فرهنگستانها به آنها می پردازند عمدتاً در سطح پژوهشی و کارشناسی است. در ۲۲۱ واژه مصوب فرهنگستان به دلیل عدم توجه به مسئله مخاطب و سطح نیاز او آمیزه ای ناسامانمند از واژه ها را پیش رو داریم که بعضی بهره کاردانی مربوطند (بهانما، آوابر و...)، بعضی در سطح کارشناسی هستند (سازمند، رمزینه) و گروهی در رده پژوهشی قرار دارند.

اینک نکات چهارگانه مورد نظر از انجام این بررسی را مرور می کنیم:

## ۱- شتابزدگی فرهنگستان در انتشارِ واژه‌های مصوب

مرجع «یک» مدعی است که اصول و ضوابط واژه‌گزینی مصوبِ جلسات پنج‌جاء و هشتم (مورخ ۱۳۷۳/۷/۱۱) و یکصد و پانزدهم (مورخ ۱۳۷۶/۴/۲) شورای فرهنگستان زبان و ادبِ فارسی است. به تاریخ برگزاری جلسهٔ دهم، که تیرماه ۱۳۷۶ است توجه، سپس به تاریخ انتشارِ مرجع یک نگاه کنید که خرداد ۱۳۷۶ است! چگونه ممکن است که فرهنگستان متنی چنین بنیادی را یک ماه پیش از آنکه «تصویب» شود منتشر کرده باشد؟ آیا این شتابزدگی از نوع دستپاچگی‌های دانش‌آموزانی نیست که تکلیفِ درسی نوروزی خود را در یکی دو روز آخر و با سهل‌انگاری انجام می‌دهند؟ و مشق خود را یک خط در میان می‌نویسند تا حجم آن بیشتر جلوه کند؟ به گمان من راه یافتن ۸۹ واژه به این فهرست ۲۲۱ موردی، مصداقِ همان یک خط در میان نوشتن است! ۸۹ واژه‌ای که فرهنگستان فعلی هیچ دخالتی در ساختن آنها نداشته و انتخاب آنها هم - بعضاً - چندین دهه هست که توسط گویشورانِ زبانِ فارسی به‌طور طبیعی انجام شده است: (سوزه / موضوع؛ سمبولیک / نمادین؛ فولکلور / فرهنگ مردم؛ کلاسه / رده، طبقه؛ هارمونی / هماهنگی و... علاوه بر این ۸۹ مورد، معادلهایی هم هست که به زبان حرفه‌ای تعلق دارد و بعضی کار پژوهشگران و واژه‌گزینانی است که یک‌تنه چندین برابر فرهنگستان سوم واژه ساخته‌اند: (فیشیه / برگه‌دان؛ سمبول / نماد؛ دمپینگ / بازارشکنی و...)

## ۲- تلقی سنتی از مفهوم واژه‌گزینی

برداشت فرهنگستان از ضرورت و سازوکار واژه‌گزینی نشان می‌دهد که در این مجموعه، زمان در حوالی سال ۱۹۰۰ میلادی از حرکت بازمانده است. امروز در جهان صنعتی کار استاندارد کردن مفاهیم و واژگان مربوط به آنها بیش از یک دهه است که آغاز شده، و در این زمینه استانداردهای بین‌المللی مهمی به وجود آمده که ISO ۱۰۲۴۱، ISO ۳۱، ISO ۷۰۴، ISO ۸۶۰، و ISO ۱۰۸۷ تعدادی از آنهاست (رضا منصور، ۱۳۷۶). فرهنگستان گرفتارِ معادل‌یابی برای سیفون و فلاش‌تانک است - و توجه ندارد که سیفون به‌غیر از معنای رایج، در صنعت کاربردهایی دارد که «آب‌شویه» معادل آنها نیست - که واژه‌های Ecocultural، Ecogenetic، Ecospecies، Ecosphere، Ecoclimate، Ecotage، Ecofreak، Ecodiaster و ده‌ها واژه دیگر که سرواژه آنها Ecology رابوم‌شناسی و بوم‌شناخت ترجمه کرده‌ایم سر می‌رسند - و ده‌ها واژه دیگر هم برای ورود در صف ایستاده‌اند - که با آنها چه باید کرد؟ نمی‌دانیم. ما بدون آنکه به یک فرهنگ تخصصی

رجوع کرده باشیم، برای واژه E-Mail معادل «پیام‌نگار» را می‌سازیم و خیال می‌کنیم که شاخ غول را شکسته‌ایم. هنوز داریم به خودمان و به یکدیگر تبریک می‌گوییم که E-ها سر می‌رسند: E-Fiction، E-Literate، E-Text. انتشار این ۲۲۱ واژه نشان می‌دهد که درک و برداشت فرهنگستان ایران بر همان مبانی نظری‌ای استوار است که شالوده فرهنگستانهای اول و دوم را تشکیل می‌داده‌اند؛ و تا زمانی که متوجه نشویم که فرهنگستان اصولاً جای ادبا نیست در بر همین پاشنه خواهد چرخید. بی‌تردید در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، متخصصان و دانشمندان رشته‌های مختلف علمی حضور دارند، اما هیچ نشانی از حضور ایشان در این ۲۲۱ واژه دیده نمی‌شود.

### ۳- درک مبتنی بر بیگانه‌ترسی؛ مسئله ورود و ترویج واژه‌های فرنگی

گفتم که از ۲۲۱ واژه مورد بررسی فرهنگستان، ۱۵۱ مورد با علامت (Fr.) مشخص شده که نشان می‌دهد واژه‌های مذکور فرانسوی تبار هستند. اگر فرض کنیم که همه این موارد با ملاحظات دقیق ریشه‌شناختی ذکر شده باشند، یعنی ۶۸ درصد واژه‌های دخیل یا مهاجم فرانسوی هستند. اولین سؤال این است که در شرایط امروز واقعاً زبان فرانسه تا چه حد توان دارد که واژه‌های خود را به داخل زبانهای دیگر براند؟

از این ۱۵۱ واژه فرانسوی تبار، ۱۱۴ مورد - بر اساس بررسی صاحب این قلم - در زبان انگلیسی هم مورد استفاده است. البته بعضی تغییرات املائی، آوایی و پاره‌ای تحولات معنایی در روند این انتقال صورت گرفته است، اما آیا این واژه‌ها حیات زبان انگلیسی را به خطر انداخته‌اند؟

نگرانی واژه‌سازان فرهنگستان از این که واژه جکوزی یا بالکن، میراث زبانی سعدی و حافظ را به خطر بیندازد نگرانی بی‌موردی است. آستین همت بالا بزنید و به جای سرگرم کردن خود و دیگران، به واژه‌هایی فکر کنید که در فاصله قطع و وصل ارتباط با شبکه‌های اطلاعاتی جهان گروه‌گروه وارد زبانهای زنده دنیا می‌شوند؛ با درست کردن لغت نه می‌توان فن‌آوری‌های پیشرفته جهانی را بومی کرد و نه می‌شود به قافله پیشروان علم پیوست. این بیگانه‌ترسی نشانگان یک احساس حقارت است که با این داروها در مان‌شدنی نیست.

### ۴- بی‌توجهی به سلیقه زبانی گویشوران زبان فارسی

در این بخش، بدون هیچگونه توضیحی چند نمونه از معادل‌سازیهای فرهنگستان را می‌آورم و داوری را به عهده خوانندگان می‌گذارم. معدود توضیحات داده‌شده ناظر به مواردی است که از حوزه انتخابهای سلیقه‌ای فراتر می‌رود.

یخچال- فریزر سایدبای ساید ← یخچال- یخزن هم‌بر

هندبوک ← دستینه

ویلچر ← چرخک

ماکت ← نمونک

کابل ← بافه

کاور ← پوشن

فایل ← پَرَوَنجا

فلاسک ← دماپان

فودپروسسور ← چندکاره

سینک ← ظرفشویی (بدون توجه به کاربردهای دیگر کلمه Sink)

سیلندر ← استوانک

جکوزی ← آبن

ترموکوپل ← بندآور (اهل اطلاع می‌گویندکه بند آوردن جریان گاز یا... یکی از کارکردهای ترموکوپل است)

پاراوان ← پردینه

پارتیشن ← دیوارک

پارک (بچه) ← مانک

پاسیو ← نورخان

پروژکتور ← فراتاب

یوفه ← چینی‌جا

بادی‌گارد ← جان‌پاس

اسپری ← افشانه (با شکل فعلی این واژه «to spray» چه باید کرد؟)

اکیپ ← گروه مجهز (با جمله «اکیپ قبلی مجهز نبود؛ اکیپ تازه و مجهزی فرستادیم» تکلیف چیست؟)

آپارتمان ← کاشانه

فلاور باکس ← گلشنه

اجاق مایکروویو ← تندیز

آسانسور ← آسان‌بر (برای حمل انسان)؛ بالابر (برای حمل بار) [پایین آمدن، از راه‌پله!]

آبازور ← نورتاب

حکایت: آورده‌اند که برزیگری بذر چغندر کاشته بود. محصول را که خواست برداشت کند دید که قد و قواره چغندر به اندازه یک تریچۀ کوچک است. دماغ شد و به طعنه خطاب به یک چغندر کوچولو گفت: «معلومه این همه وقت، اون زیر، چکار می‌کرده‌ای؟» بعد فکر کرد و فکر کرد و فکر کرد و با اهل علم و ادب چندین جلسه تشکیل داد و با استفاده از زبان فارسی معیار امروز، نام خوش‌آهنگ چغنچه (čeoqonče) را برای چغندرهای کوچولو برگزید و آن‌ها را در بسته‌بندی‌های زیبا روانه بازار کرد.